

en virtudes y vicios, en todos los países y bajo todos los soles. Su utilidad formativa y pedagógica salta a la vista.

Tales son algunos de los méritos que avaloran esta breve colección de *Mišlê hākāmim*, "sentencias y dichos agudos, palabras y enigmas de los sabios" de Israel y de otros pueblos de la antigüedad, tan propios "para aprender sabiduría y disciplina..., alcanzar cordura y discreción, justicia, probidad y rectitud, para dar prudencia a los inexpertos, perspicacia y circunspección a los jóvenes", como se advierte en el encabezamiento del libro de los Proverbios. Es la modesta aportación que en sumaria exposición, como primicias de un estudio de mayor envergadura, he querido ofrecer a vuestra docta y benévola consideración, que cordialmente agradezco.

Granada

DAVID GONZALO MAESO



BOLETIN DE LA ASOCIACION

ESPAÑOLA DE ORIENTALISTAS

año: VIII - 1972, Madrid, s. 119-145.

D. 1699

EL "MANUAL BIOGRAFICO" DE  
AHMAD B. 'ALĪ AL-BALAWĪ AL-WADĪ ĀSĪ

RESUMEN DE TESIS DOCTORAL

*La familia "al-Balawī"*

Los Balawīes pertenecen a la tribu yemení de Baliyy, siendo su primer ascendiente conocido Baliyy b. 'Amr b. al-Hāf b. Quḏā'a.

Abū Ya'far Ahmad al-Balawī, autor del *Manual biográfico* objeto del presente estudio, es Balawī puro, es decir, no recibió este apellido en virtud de *al-walā'*. Lo mismo se puede afirmar de todos aquéllos que son conocidos por "al-Balawī", con la única excepción de Zuhayr b. Qays al-Balawī el cual confiesa: "Soy descendiente de los árabes; soy de Gassān. Mi abuelo cometió un delito entre sus gentes y se refugió entre los de la tribu de Baliyy, recibiendo por ello su apellido".

Son muy numerosos los que, llevando el apellido "al-Balawī", desempeñaron un papel destacado en la historia política, social y cultural del islam. En la imposibilidad material de mencionarlos a todos, podemos señalar como más importantes a:

Zuhayr b. Qays al-Balawī, a quien antes hemos hecho alusión, el cual apoyó a 'Uqba b. Nāfi' al-Fihri en su segundo gobierno del Norte de Africa y más tarde fue a su vez nombrado gobernador de esta región.

Bišr al-Balawī, eximio escritor entregado por completo a la lucha contra la injusticia, la corrupción y el partidismo, que vivió en el Yemen a comienzos de la época 'abbāsi.

Abū'l-Qāsim 'Abd al-Rahmān al-Balawī, maestro coránico, asceta, virtuoso, místico y devoto, conocido por "al-Labsī" (el de Lapeza, aldea próxima a Guadix). Estudió, entre otras ciudades, en Granada. Hizo la peregrinación en ḏū'l-ḥij̄ya 498/agosto 1105. Estudió en la Meca y en Mehdía (Túnez). Regresó a al-Andalus, llegando a Almería hacia el año 505/1111-12 y ejerciendo las funciones de imán, predicador y maestro coránico en la mezquita de la ciudad. El año 541/1146-47, cuando contaba 78 años de edad, se trasladó a Guadix.

017 TEMMUZ 1997

مسیحیان در ۸۹۶ق/۱۴۹۱م، همراه با پدر و برادران خویش اندلس را ترک کرد و به شمال آفریقا رفت. در پی شکست مسلمانان از مسیحیان اندلس، اینان از بازگشت ناامید شدند و پس از حدود دو سال اقامت در تلمسان، به وهران، و سپس تونس رفتند و سرانجام، در قسطنطنیه مقام گزیدند (بلوی، ۱۳۷، ۱۶۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۴، ۳۷۴، ۳۷۷، جم: عمرانی، ۳۸-۴۰؛ ابن غازی، ۳۳).

بغدادی در گذشت بلوی را در حدود سال ۹۳۰ق/۱۵۲۴م (۱۴۰/۱)، و عمرانی در حدود سال ۹۳۸ق/۱۵۳۲م آورده است (ص ۴۸).

## آثار:

۱. ثبت، که مهم‌ترین کتاب بلوی و مشتمل بر شرح حال استادان اوست. با دقت در گزارشهایی که بلوی در این کتاب از سفرهای خویش داده است، دانسته می‌شود که وی نوشتن ثبت را در ضمن سفر آغاز کرده است (نک: ص ۱۳۷، ۱۷۹، ۱۹۵، جم). بلوی در اوایل کتاب (ص ۱۳۶-۱۳۷)، گزارش بر خورد خود را با ابن غازی در تونس در ۸۹۸ق/۱۴۹۳م یاد می‌کند و آن‌گاه دیباچه کتاب آغاز می‌شود. از آن پس عمده حوادث نقل شده در کتاب، دارای ترتیب زمانی است، ولی مطالب درج شده میان عنوان کتاب و دیباچه از چنین ترتیبی برخوردار نیست و نباید جزو اصل کتاب محسوب شود. گویا در ۸۹۵ق/۱۴۹۰م، بلوی نگارش ثبت را به پایان رسانده، یا رها کرده است (نک: ص ۵۴۱). به نظر می‌آید انگیزه بلوی در نگارش کتاب، احساس ضرورت در جاویدان کردن نام استادان اندلسی خویش است که بسیاری از آنها در ایام جنگ در سرزمینهای دیگر پراکنده شده بودند (مثلاً نک: ص ۲۰۸-۲۰۹). اینک اهمیت این کتاب بیش از هر چیز به سبب گزارشهایی است که از مسائل آموزشی دوران زندگی بلوی در آن آمده است.

۲. شرحی بر القصیده الخزریة عبدالله بن محمد بن عثمان خزرچی، در علم عروض، که نسخه‌ای از آن در برلین (آلوارت، شمه 7112) و نسخه‌ای ناقص در اسکواریال موجود است (عمرانی، ۸۷). بلوی این کتاب را در ۹۰۸ق/۱۵۰۲م در غلظه (در حوالی قسطنطنیه) به پایان رسانیده است (حاجی خلیفه، ۱۱۳۶/۲).

۳. فرائد الفوائد فی فنون غیر واحد (همو، ۱۲۴۳/۲؛ بغدادی، همانجا).

افزون بر اینها سراج اندلسی مطلبی از بلوی را از کتاب الفامض او نقل می‌کند (۶۵۴/۱) که در کتاب ثبت موجود نیست. مقری نیز از کتابی به خط بلوی خاطره‌ای نقل کرده است (۱۰۳/۱) که آن مطلب هم در ثبت دیده نمی‌شود.

ماخذ: ابن خطیب، محمد، الا حاطة، به کوشش محمد عبدالله عنان، قاهره، ۱۹۵۵م؛ ابن غازی، محمد، فهرس، به کوشش محمد زاهی، دارالبیضاء، ۱۹۷۹م؛ بغدادی، هدیه؛ بلوی، احمد، ثبت، به کوشش عبدالله عمرانی، بیروت، ۱۹۸۳م؛ حاجی خلیفه، کشف؛ سراج اندلسی، محمد، الحلال السننسیة، به کوشش محمد حبیب هیله، بیروت، ۱۹۸۲م؛ عمرانی، عبدالله، مقدمه و حواشی بر ثبت (نک: هم بلوی)؛ مقری، احمد، نفع الطیب، به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت، دارالکتاب العربی؛ نیز: Ahlwardt. فرهنگ مهرش

زیماره، د. حواشی بر بلوهر و بوذاسف (هم؛ سنایی، حدیقة الحقیقة، به کوشش مدرس رضوی، تهران، ۱۳۵۹ش؛ عطار نیشابوری، فریدالدین، الهی‌نامه، به کوشش عطاءالله تدین، تهران، ۱۳۷۷ش؛ عهد جدید؛ عهد عتیق؛ غزالی، محمد، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوچ، تهران، ۱۳۵۲ش؛ قریب، بدرالزمان، فرهنگ سفدی، تهران، ۱۳۷۴ش؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ق؛ همو، عین الحیاة، تهران، ۱۳۴۹ش؛ مرکزی، خطی؛ مسعودی، علی، مروج الذهب، به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۳۷۷ق/۱۹۵۸م؛ مقدسی، مطهر، البده و التاريخ، به کوشش کلمان هوار، پاریس، ۱۹۰۳م؛ مولوی، منثوی منثوی، به کوشش ر. نیکلسن، تهران، ۱۳۶۳ش؛ نهایة الارب، منسوب به اصمعی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژده، تهران، ۱۳۷۵ش؛ نیز:

Abuladze, I. V., introd. *The Balavariani*, London, 1966; Alfarc, M.P., «La Vie chrétienne du Bouddha», JA, 1917, vol. X; Aśvaghosha, «The Buddha-Carita», tr. E.B. Cowell, *Buddhist Mahā-yāna Texts*, The Sacred Books of the East, ed. F.M. Müller, Delhi, 1972, vol. XLIX; *The Balavariani*, tr. D.M. Lang, London, 1966; *Barlaam and Ioasaph*, tr. G.R. Woodward and H. Mattingly, Cambridge, 1983; Brown, E.G., «Some Account of the Arabic Work Entitled *Nihāyatu 'l-irab*...», JRAS, 1900; Henning, W.B., «Persian Poetical Manuscripts from the Time of Rūdākī», *Locust's Leg*, Studies in Honour of S.H. Tagizadeh, London, 1962; id., «Sogdian Tales», *Hommages et opera minora*, Tehran, 1977, vol. VI(2); *Judaica*; Lang, D.M. introd. *Barlaam and Ioasaph*, Cambridge, 1983; id., «St. Euthymius the Georgian and the Barlaam and Ioasaph Romances», *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, London, 1955, vol. XVII; id., *The Wisdom of Balahvar*, London, 1957.

فتح‌الله مجتباتی

بلوی، ابوجعفر احمد بن علی، نویسنده و دانشمند اندلسی قرن ۹ و ۱۰ق/۱۵ و ۱۶م (درباره نام کامل او، نک: بلوی، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۹۴؛ عمرانی، ۲۰). گذشته از گزارشهای خوشامدگویانه معاصران بلوی همچون ابن غازی درباره فقاقت او، مشکل بتوان بیرون از حوزه‌های قرائت و علوم ادبی، سندی بر صاحب‌نظر بودن او یافت (درباره آموخته‌های فقهی و حدیثی او، نک: بلوی، ۱۶۳، ۲۱۸، ۳۰۶، ۳۶۰، ۳۶۹، ۴۲۰). نیز برای برخی توصیفهای ستایش آمیز درباره فقاقت او توسط معاصرانش، نک: ۳۱۸، ۳۷۷؛ ابن غازی، ۲۹). گویا وی اولین بار در ایام سفر به شرق پای درس حدیث نشست (بلوی، ۱۶۶). در اجازاتی نیز که از عالمان گرفته، عنوانهایی درخور طلاب، و نه عالمان بزرگ، به وی داده شده است (نک: همو، ۱۶۳، ۱۷۴، ۲۲۳). قرآینی برای گرایشهای صوفیانه ابوجعفر بلوی نیز وجود دارد (برای نمونه، نک: همو، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۲۸۰).

خاندان بلوی که از عربهای ساکن غرناطه بودند، به «ابن داوود» شهرت داشتند (همو، ۱۳۷، ۱۷۵؛ ابن خطیب، ۱۴۱/۱؛ مقری، ۳۷۸/۱) و بسیاری از آنها نسل اندر نسل عالم قرائت بودند (سراج، ۶۱۶/۱؛ ابن خطیب، همانجا). با توجه به رعایت ترتیب زمانی در کتاب ثبت و اشاره بلوی در آن به حفظ قرآن و تحصیلات مقدماتی عهد کودکی اش نزد پدر در وادی آش (ص ۱۷۹-۱۸۰)، می‌توان گفت مولدش همان‌جا، و احتمالاً در حدود سال ۸۶۶ق/۱۴۶۲م بوده است (عمرانی، ۴۸).

بلوی پیش از مهاجرت به شرق اسلامی، به مسافرت‌هایی علمی در خود اندلس دست زد و به غرناطه، المریه و احتمالاً شهرهای دیگر رفت (نک: بلوی، ۱۹۶، ۱۹۷-۱۹۸، ۲۱۰). وی قبل از اشغال غرناطه توسط

*Sibr*, n° 522; IBN JAYR, *Fabrasa*, ed. Mānšūr, 371 (n° 1159); IBN AL-KATTĀNĪ, *Tasbīhāt*, *passim*; IBN SA'ĪD, *Mugrib*, II, 60-1 (n° 379); IBN SA'ĪD, *Rāyāt*, ed. al-Dāḥya, 186-7; ed. al-Qādī, 104-5; IBN SA'ĪD, *Umuwān*, 20-1; AL-MAQQARĪ, *Nafḥ*, I, 406, 484, III, 178, 195, 231, 341-2 y 441, IV, 58, V, 43; AL-ŞAFADĪ, *Wāfī*, VIII, n° 3460; AL-TA'ĀLIBĪ, *Yatīma*, ed. 'Abd al-Ḥamīd, II, 103-16; YĀQŪT, *Muġjam*, IV, 347.

**BIBLIOGRAFÍA:** 'ABBĀS, I., *Ta'riġ al-adab al-andalusī*, El Cairo, 1962, 191-213; BLACHÈRE, R., "La vie et l'oeuvre du poète-épistolier andalou Ibn Darraġ al-Kastallī", *Hespéris*, XVI (1933), 99-121; BROCKELMANN, *GAL*, SI, 478; DAYF, A., *Balāġat al-'arab fi l-Andalus*, El Cairo, 1942, 94-100; GARCÍA GÓMEZ, E., *Poemas*, 29 y 98-9; GARULO, *Literatura*, 51-65; GIBERT, *Poetas*, 33-9; GONZÁLEZ PALENCIA, *Historia*, ed. 1945, 58 y 174; HAYKAL, A., "Ibn Darraġ šā'ir al-'āfiya al-usariya wa l-asāla al-andalusīya", *Dirāsāt adabīya*, El Cairo, 1980, 243-67; ḤĀYŪ, *Kaif*, I, 766; KAḤḤĀLA, *Muġjam*, II, 101, 114; MAKKĪ, M. 'A., introducción a la edición *Dīwān Ibn Darraġ al-Qastallī*, Damasco, 1961; MAKKĪ, M. 'A., "Ibn Darraġ al-Kastallī", *EP*, ed. ingl., III, 742-4; MAKKĪ, M. A., "La España cristiana en el Dīwān de Ibn Darraġ", *BRALB*, 30 (1963), 63-104; MUBĀRAK, Z., *al-Muwāzana bayna al-šī'arā'*, El Cairo, 1936<sup>2</sup>, 109, 236, 245-6, 248-9, 258-9, 261, 265-6 y 268-9; NYKL, A. R., *Poetry*, 56-8; PÉRÈS, *Esplendor*, *passim*; RUBIERA, *Literatura*, 74-6; SEZGIN, *GAŚ*, II, 699-700; SOBH, *Historia*, 898-907; VERNET, *Literatura*, 112-14; VIGUERA, M. J., "Versos al triunfo sobre el conde Garcí-Fernández", *AA*, 43 (1978), 467-73; AL-ZIRIKLĪ, *A'lām*, I, 204.

[W. SALEH ALKHALIFA]

[430] IBN DĀWŪD AL-BALAWĪ, ABŪ ŶĀ'FAR (EL ABUELO): ABŪ ŶĀ'FAR AḤMAD B. 'ALĪ B. AḤMAD B. DĀWŪD AL-BALAWĪ AL-WĀDĪ ĀŞĪ (¿Guadix?, ¿?—¿Guadix?, aprox. 830=1426-7).

Abuelo del alfaquí y almocrí homónimo biografiado a continuación. La familia de los Banū Dāwūd al-Balawī era originaria de Guadix, como bien lo muestra nuestro autor, portador de la *nisba* geográfica al-Wādī Āşī ("el accitano" o "el guadijeño"). Es probable que naciera en esta ciudad, pero desconocemos la fecha. Algunas obras biográficas, como la de Kaḥḥāla, o bibliográficas, como la de Ḥāyŷī Jalīfa, sitúan la fecha de su fallecimiento por el año 830 (=1426-7).

La única fuente que le dedica una entrada, haciendo un breve comentario biográfico, es *Awsāf al-nās* (Señas de identidad) de Ibn al-Jaṭīb, obra escrita en prosa rimada. El texto insinúa que Abū ŶĀ'far estuvo encargado de los impuestos y la tesorería, y es descrito como persona modesta y tranquila, servicial con el amigo y dispuesto a la reconciliación con el enemigo. Parece que fue asiduo de la corte de algunos reyes y jamás tuvo ninguna tacha en sus alocuciones. Destacó, además, por su fidelidad y lealtad, así como por su

sobriedad y templanza y rechazo de las necesidades terrenales.

Tuvo, al menos, un hijo: Abū l-Ḥasan 'Alī (¿Guadix?, aprox. 1432-3—Costas turcas, 898=1493), imán, jatib y almocrí que llegó a ser cadí de Tremecén por un mes.

**OBRAS:**

Kaḥḥāla lo confunde con su nieto, del mismo nombre y, además del título consignado a continuación, lo hace autor también de *Šarḥ 'alā l-Jazraġīya* (Comentario de *al-Jazraġīya*), obra que en realidad pertenece al nieto.

◊1. *Farā'id al-fawā'id fi funūn gayr wāhid* (Las perlas de las utilidades, acerca de varias artes).

Nada podemos decir de ella al no haberse conservado.

**FUENTES:** IBN DĀWŪD, *Tabat*, 179; IBN AL-JAṬĪB, *Awsāf*, ed. 1977, 73-4 (n° 58).

**BIBLIOGRAFÍA:** ḤĀYŪ, *Kaif*, II, 1243; KAḤḤĀLA, *Muġjam*, I, 316.

[A. RODRÍGUEZ FIGUEROA]

[431] IBN DĀWŪD AL-BALAWĪ, ABŪ ŶĀ'FAR (EL NIETO): ABŪ ŶĀ'FAR AḤMAD B. 'ALĪ B. AḤMAD B. 'ALĪ B. AḤMAD B. 'ABD AL-RAḤMĀN B. DĀWŪD AL-BALAWĪ AL-GARNĀTĪ (¿Guadix?, aprox. 866=1462—Constantinopla?, ¿938=1532?), alfaquí, imán, poeta, pro-sista y ulema polifacético con fama de fidedigno.

La única fuente biográfica que hace un boceto de la vida de este alfaquí, *Nayl al-ibtihāj* de al-Tunbuktī, basado en parte en la *Fabrasa* de Ibn Gāzī, apenas nos proporciona datos suficientes que nos permitan reconstruir su vida. No nos menciona ni el lugar ni la fecha de su nacimiento. De modo que es gracias a su obra, en concreto al *Tabat*, por lo que conocemos algunos de estos datos. Nos proporciona, entre otros, su cadena genealógica completa, tal como la hemos consignado aquí, y algunos detalles que ayudan a su editor, 'Abd Allāh al-'Imrānī, a situar la fecha de su nacimiento en torno al año 866 (=1462) y a emplazarla en Guadix.

Inició su formación de manos de su padre, el alfaquí y cadí Abū l-Ḥasan 'Alī (aprox. 836=1432-3—5 *raġab* 898=22 abril 1493; v. al-Tunbuktī, *Nayl*, 210) asistiendo a sus lecciones en la parte trasera de la Mezquita Aljama de Guadix, situada en el centro de la ciudad (*Tabat*, 179), quien le autorizó a transmitir todo cuanto de él había escuchado a condición de que lo transmitie-

*Notes sur l'histoire de Testour* (págs. 103-128); H.-J. Kress, *Éléments structuraux "Andalous" dans la genèse de la géographie culturelle de la Tunisie* (págs. 129-155); J. D. Latham, *Muqt'afa de Cardenas et l'apport des "Morisques" à la société tunisienne du XVIIe siècle* (págs. 157-178); C. Sugier, *Parures traditionnelles des tunisiennes comparées à celles des femmes de l'Islam espagnol* (págs. 179-194); G. Turbet-Delof, *Un morisque andalou réfugié en Tripolitaine: le marabout Issouf* (págs. 195-200); M. Ben Ali - N. Hlaoui, *Documents sur les habous andalous de Madjez El Bab* (págs. 201, 49-61); M. El Mezzi, *Les Andalous à Tébourba* (págs. 203-205, 7-38); S.-M. Zbiss, *La mosquée de Soliman* (págs. 207-208, 39-48); M. Boughanmi, *Un pueblo andalusí en Túnez en el siglo XIX; Soliman* (págs. 209-222); A. Daoulatli, *Cerámicas andalusíes de la Alcazaba de Túnez* (págs. 223-228); M. de Epalza, *Trabajos actuales sobre la comunidad de moriscos refugiados en Túnez desde el siglo XVII a nuestros días* (págs. 229-241); A. Gafsi, *Estudio económico-social de un pueblo andalusí tunecino: Kalat Al-Andalus desde 1847 a 1881* (págs. 243-250); R. Gil, *Necesidad de unos estudios sobre los moriscos en Marruecos* (págs. 251-256); A. Dominguez Ortiz, *Una república andaluza en el Norte de Africa. La peripecia de 300.000 moriscos expulsados de España* (págs. 257-263).

## NUEVO VOLUMEN DE "ANDALUCIA ISLAMICA" *siguiente*

Se ha publicado en 1983 el volumen II-III (1981-1982) de *Andalucía Islámica. Textos y Estudios*, del Departamento de Historia del Islam de la Universidad de Granada. Sus directores son los profesores Dr. Jacinto Bosch Vilá y Dr. Wilhelm Hoenerbach, y es anejo de *Cuadernos de Historia del Islam*. Incluye las siguientes secciones en sus 248 páginas:

Testimonio y gratitud.

I. ARTICULOS.—*La Granadina* (W. Hoenerbach); (*Un viaje oficial de la corte nazari (1347)*) (J. Bosch Vilá-W. Hoenerbach); *Al-Andalus vu par quelques lettrés orientaux du Moyen Âge* (R. Arié); *Los Banū Escallola, una dinastía granadina que no fue* (M.<sup>a</sup> J. Rubiera); *Notas para un estudio de la taifa de Ronda: los Banū Ifran* (C. Ruiz de Almodóvar Sel); *Unas referencias en torno a dos balawies de Labassa (La Peza)* (M.<sup>a</sup> C. Jiménez Mata); *Poetas cordobeses en la Bugyat al-wu'āt de al-Šuyūtī* (págs. 1.445-1.505), selección poética (R. Pinilla Melguizo); *La faceta médica del granadino 'Abd al-Malik b. Ḥabīb* (c. 790-847) (F. Girón Irueste-C. Alvarez de Morales); *La alimentación en la Andalucía islámica. Estudio histórico y bromatológico. I. Cereales y leguminosas* (E. García Sánchez).

II. DOCUMENTOS, ARTE, ARQUEOLOGIA.—*Abū l-Āšī en un documento posesorio arábigo-granadino (1493)* (J. Albarracín Navarro); *Un documento sobre el infante granadino Yūsuf b. al-Mawl* (J. Abellán Pérez); *Las yeserías de la Giralda* (A. Jiménez); *Notas sobre arte y arqueología hispanomusulmana en Andalucía (I. Bóvedas baídas de ladrillo malagueñas. II. El equivalente arquitectónico de la voz árabe "al-šahrīy. III. Técnica y ornamentación granadina en el arte mudéjar toledano. IV. En torno al "bastón" del Cardenal Cisneros. V. Consideraciones arqueológicas en torno a Granada y el alminar de San José. VI. Jarrón de metal nazari)* (B. Pavón Maldonado); *Materiales arqueológicos procedentes del "Cortijo de las Zorreras" (Granada)* (J. Abellán, M. Espinar Moreno, J. Gámiz Jiménez).

FIGURAS. LAMINAS.

Este volumen se ha publicado en colaboración con el Fondo Internacional para la promoción de la Cultura de la UNESCO.

## GARCIA LORCA EN ARABE

El Ministerio de Información kuwaití, y dentro de su colección "Del teatro mundial", ha publicado la versión árabe de *Doña Rosita la soltera o el lenguaje de las flores*. El autor de la misma es el hispanista egipcio Māher al-Baḥḥūḥī, antiguo colaborador del Instituto Egipcio de Estudios Islámicos en Madrid y traductor de la Secretaría General de la ONU en Nueva York, en la actualidad. La traducción ha sido revisada por el Dr. Yusuf al-Hasas, conocido hispanista también. Consta de 113 páginas y es el número 165 de la citada colección. Anteriormente, en 1976, concretamente, se publicó en esta misma colección la traducción de *Bodas de sangre*, obra de los hispanistas Dr. 'Abd Allāh al-'Imrānī (marroquí) y Dr. Maḥmūd 'Alī Makkī (egipcio).

## SE PUBLICA LA TESIS DEL DR. 'ABD ALLĀH AL-'IMRĀNĪ

Se ha publicado en Beirut, en 1983, en la editorial Dār al-Garb al-Islāmī, el texto árabe de la Tesis de Doctorado que presentó el profesor e hispanista marroquí 'Abd Allāh al-'Imrānī, en la Universidad de Granada, bajo la dirección del que fue catedrático de la misma, ya fallecido, don Luis Seco de Lucena. Se titula *Ṭabat Abī Ya'far Aḥmad b. 'Alī al-Balawī al-Wādī Āšī (938/1532) Dirāsa wa taḥqīq*. Incluye una biografía de este sabio granadino junto con la edición del manuscrito núm. 1.725 de la Biblioteca de El Escorial. La obra consta de 584 páginas del texto árabe, más un resumen en castellano de 10 páginas.

## NUEVAS PUBLICACIONES DEL INSTITUTO EGIPCIO DE ESTUDIOS ISLAMICOS

Tras el Homenaje académico internacional que el Instituto Egipcio de Estudios Islámicos en Madrid dedicó al Dr. Taha Husayn, en el décimo aniversario de su muerte, y del que nos hicimos eco en ARABISMO-38, el mismo Instituto ha publicado en 1983 las siguientes obras del polígrafo egipcio: *Ensayos de crítica literaria*. Prólogo y coordinación de P. Martínez Montávez. Traducción de A. Cano Ledesma. C. Ruiz Bravo, M. L. Prieto González, P. Equisoain López, N. Paradela Alonso y A. M. Ramos Calvo (135 págs.), y *El árbol de la Miseria*. Traducción, notas y prólogo de A. Chérif Omar, actual subdirector del citado Instituto (175 págs.)

## EL "ESPLENDOR DE AL-ANDALUS", EDITADO EN ESPAÑA

La conocida obra del arabista francés Henry Pérès, *Esplendor de Al-Andalus. La poesía andaluza en árabe clásico en el siglo XI. Sus aspectos generales, sus principales temas y su valor documental*, publicada originalmente en francés, en 1937, ha sido traducida al castellano por la arabista española Mercedes García-Arenal. Editada por Ediciones Hiperión, fue presentada en Granada en el mes de noviembre pasado, por los siguientes profesores e investigadores: Dr. D. José María Fórneas, Dra. D.<sup>a</sup> Concha Castillo y D. Miguel Magerty. Intervino, asimismo, su editor, D. Jesús Munárriz.

## NUEVA OBRA DEL PROFESOR MORALES LEZCANO

El 14 de febrero tuvo lugar, en el Salón de Actos de la Biblioteca Nacional, de Madrid, la presentación del libro *España y el Norte de Africa; el Protectorado en Marruecos (1912-1956)*. Esta obra, de la que es autor el Dr. Víctor Morales Lezcano, profesor de Historia Contemporánea de la UNED (Madrid), es el primer volumen de